

استفاده از فرهنگ

# برای حل و فصل مناقشه های دوران معاصر

نوشته: دکتر راوی باتیا، هند

ترجمه: حمید تقوی پور



ما شاهد مناقشه‌ها در اطراف خود هستیم. انواع مختلفی از این مناقشه‌ها وجود دارند که عبارتند از مناقشه‌های داخلی، سیاسی، مذهبی و ایدئولوژیک. مناقشه ایدئولوژیک ظاهراً مبتنی است بر هویتی جامعه‌ای و قالبی غیرقابل انعطاف از نظام‌های اعتقادی، که از روایات جمعی گروه‌های مردم سرچشمه می‌گیرد. مناقشات به لحاظ مخالفت با نظام‌های اعتقادی مورد تحلیل قرار می‌گیرند و پس از آن یک راهبرد حل و فصل مناقشه و برقراری روابط صلح‌آمیز پیش‌نهاد می‌شود. در این‌جا آشتی و بازسازی روابط گسسته از یک‌دیگر مورد تأکید قرار می‌گیرد، نه انتقام یا تلافی. این راهبرد همچنین شامل به‌کارگیری صورت‌های فرهنگی و هنری، یعنی موسیقی، حرکات موزون، تئاتر، نمایشگاه و ... می‌شود که برای هماهنگی روابط و به‌ارمغان آوردن صلح و دوستی بین جوامع در حال مناقشه است.

دنیا مملو از برخوردها و شرایبی است که ضمن آن‌ها مردم، گروه‌ها، جوامع یا کشورها درگیر جز و بحث‌ها یا مخالفت‌های شدید هستند. در صورت عدم برخورد مناسب، این شرایب ممکن است به تنش، سوءظن، گسستن روابط و در نهایت، خشونت منجر شود. ما شاهد برخوردها در همه جا هستیم، یعنی بین والدین و والدین و فرزندان یک خانواده یا برخورد بین خود افراد. برخوردهای صنعتی بین مدیران و کارکنان یا بین یک اتحادیه با اتحادیه دیگر یا در محل‌های کاری دیگر، بین مدیریت ارشد و مدیریت پایین‌دست. دانشگاه یا مؤسسه پژوهشی نیز یک محیط مستعد برای بروز برخورد و تنش است.

در دنیای امروز برخورد بین یک گروه مذهبی با گروه دیگر و بین جوامع و کشورها وجود دارد. به‌عنوان مثال، برخورد شدیدی بین مسیحیان و مسلمانان در سودان، فیلیپین و ... دیده می‌شود. در سریلانکا دولت و بیرهای تامیل در طول چند دهه گذشته در نزاع بوده‌اند. در فلسطین برخورد و خشونت بین اسرائیل و مردم فلسطین و بین اسرائیل و اردن و سوریه در جریان است. در شبه قاره هند یک برخورد دائمی بین هند و پاکستان وجود دارد که بیش از پنجاه سال قدمت دارد و مسئله عمده در این میان، ناحیه جامو و کشمیر است. این برخورد در برخی مواقع به بروز شرایب جنگی و شبه‌جنگی بین دو کشور منجر شده است. در حالی که گفت‌وگوهای سیاسی و فعالیت‌های دیپلماتیک برای کاهش تنش بین این دو کشور، در جریان است. تبادل هنرمندان شامل نقاشان،

موسیقی‌دانان، فیلم‌سازان و ... نیز اقدامی در جهت ایجاد تفاهم و دوستی است. شهرها و ایالت‌های مختلف هند نیز شاهد برخورد و خشونت بر روی یک مسئله است. در سنت هندی یا دقیق‌تر بگوییم سنت هندو، ماهاباراتا یک داستان زیبا و ماندگار از یک سری برخوردهای فراروی بازیگران اصلی آن و چگونگی تلاش آن‌ها برای پرداختن به این اختلافات و حل و فصل آن‌ها است.

یکی از انتظارات این بود که در دنیای نوین هویت‌های آغازین خانوادگی، مذهبی، زبانی و فرهنگی ما با هم درآمیخته و به یک‌دیگر بیپوندند تا یک زندگی اجتماعی یک‌نواخت و یک‌سان را به‌وجود آورند. براساس این منطق، این کار منجر به کاهش برخوردها و تنش‌ها می‌گردد. متأسفانه وضعیت هم در دنیا و هم در هند تفاوت بسیاری با این انتظارات دارد. در هندوستان ما شاهد شورش‌ها و اختلافات قومی، فرقه‌ای و طبقاتی، خشونت، مرگ و مهاجرت مردم هستیم. در سطح جهان نیز، جریان مشابهی را مشاهده می‌کنیم، یعنی انواع مختلف برخوردهایی که ماهیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، مذهبی و عقیدتی دارند. برخورد عقیدتی مبتنی بر یک نظام عقیدتی غیرقابل انعطاف با ریشه عمیق است که نگاهی توأم با سوءظن و غالباً خشونت به نظام‌های عقیدتی مخالف دارد.

هویت جمعی یک جامعه مبتنی بر تاریخ، فرهنگ، زبان، مذهب و غالباً ذهنیتی از سرزمین پدری است. این خصوصیات به همراه هم به آن‌چه که روایت جمعی گروهی از مردم یا جامعه خوانده می‌شود، می‌پیوندند. روایت جمعی نحوه درک یک قوم از خود و تاریخ، فرهنگ، مذهب و نظام‌های اعتقادی خود است، اما این یک امر طبیعی است که یک جامعه بر هویت جمعی و نظام اعتقادی خود تأکید ورزیده و خصوصیات مشابه را در جامعه دیگر یعنی جامعه یا گروه افراد معارض، بی‌ارزش و حقیر بشمارد.

هدف، مشروع قلمداد کردن هویت خود و غیرمشروع نشان دادن هویت دیگری است. این یک جلوه عمومی و تقریباً جهانی از «پویایی‌شناسی» قدرت است. از این طریق، گروه «ضعیف‌تر» یا هویت خود را در مقابل گروه «قوی‌تر» از دست می‌دهد و مجبور می‌شود در هویت این گروه ادغام گردد یا این‌که اغلب مورد سرکوب قرار گرفته و از وطن خود بیرون رانده می‌شود.

مثال‌های مختلفی از این فرآیند در تاریخ وجود دارد.

## پژوهشگر صلح باید این واقعیت را در نظر داشته باشد که نظام‌های اعتقادی مخالف هم منبع مناقشه هستند و باید در عین حال از این واقعیت برای پرکردن خلأ اختلافات جهت حل و فصل مناقشه استفاده نماید

مورد خود اعتقاد است. اکثر این برخوردها که مقطع در حال اتمام دنیای نوین را از هم گسسته است، بین نظام‌های اعتقادی مختلف بروز می‌کند که هر یک از آنها ادعای برحق بودن را دارند؛ این دین علیه آن دین، سرمایه‌داری علیه کمونیسم، علوم علیه مذهب و... دوران جدید ما را به سوی دنیایی سوق داد که دارای نظام‌های اعتقادی متعدد و مخالف هم است. اکنون دورهٔ پسامدرن بیانگر دنیایی است که در آن فرهنگ پسامدرن مبتنی بر یک حس متفاوت از واقعیت اجتماعی در حال تولد می‌باشد.

پژوهشگر صلح باید این واقعیت را در نظر داشته باشد که نظام‌های اعتقادی مخالف هم منبع مناقشه هستند و باید در عین حال از این واقعیت برای پرکردن خلأ اختلافات جهت حل و فصل مناقشه استفاده نماید. سالمون در ادامه «مرکزیت روایات جمعی، نظام‌های اعتقادی زیربنای آن‌ها و ریشه‌های آن‌ها در خاطرات جمعی و تاریخی در جهت تحریک یا تعدیل مناقشه و از طرف دیگر نقش محوری روایات جمعی را در رسیدن به روابط مسالمت‌آمیز» مورد بحث قرار می‌دهد.

راهبرد حل و فصل اختلاف و برقراری روابط مسالمت‌آمیز شامل بخش‌ها و مراحل زیر است: گردهم‌آیی احزاب و ملاقات آن‌ها با یک‌دیگر به دور از هراس و سوءظن.

**گفت‌وگو:** این امر مستلزم تبادل تجربیات و خاطرات است هر چند هم که دردناک و تلخ باشند. منظور از این گفت‌وگو توییح کردن مرتکبان اعمال نادرست یا ناعادلانه نیست، بلکه فراهم آوردن زمینه‌ای برای تخلیه و بیرون راندن احساسات یا آلام درونی است.

**تفاهم:** تفاهم به معنای درک نظرات و نظام‌های اعتقادی مخالف است. این امر به درک این نکته کمک می‌کند که دیگران هیولا نیستند و این‌که برخی از آن‌ها به نحو غیرمنتظره‌ای مهربان بوده و خصوصیات انسانی دارند.

**آشتی:** فرآیندی می‌باشد که مبتنی بر عقیده‌ای است که می‌گوید روابط جاری دچار گسستگی گردیده، اما باید سعی کرد بی‌عدالتی گذشته را به فراموشی سپرده و روابط گسسته را مجدداً برقرار کرد و به جای انتقام و تلافی، هماهنگی و صلح را تقویت نمود.<sup>۲</sup>

همکاری با یک‌دیگر برای اهداف مشترک، توسعه اقتصادی و اجتماعی، ارتقای تسهیلات آموزشی و بهداشتی و طرح‌های رفاهی، افزایش امکانات مدنی مشترک و غیره.

ایجاد یک راهکار با شرکت نمایندگان احزاب رقیب برای برقراری روابط مسالمت‌آمیز و پرهیز از مناقشه‌های آتی.

قدرت‌های استعماری نه تنها سرزمین‌های بسیاری کشورها یا مناطق را ضمیمهٔ خاک خود کردند، بلکه قوانین خود و فرهنگ، زبان و مذهب خود را به مردم آن تحمیل نمودند. مردم سرزمین اشغال‌شده بایستی در مقابل این قدرت برتر تسلیم می‌شدند یا از سرزمین خود رانده می‌شدند تا تصفیه شوند. ادیان نیز با همین سرنوشت روبه‌رو شدند. این اتفاق در هندوستان توسط نیروی قدرت‌گرفتهٔ هندوئیسم بر سر بودائیسم آمد. هندوئیسم در نقاط مختلف جنوب و شرق آسیا از جمله سریلانکا، تایلند، کامبوج، سنگاپور و اندونزی با این چالش روبه‌رو شد و در مقابل بودائیسم و اسلام تسلیم شد. مردم عشایر در بسیاری از نقاط آسیا، آفریقا و سایر بخش‌های جهان به واسطهٔ نیروی مذاهب و فرهنگ‌های مسلط با این فشار روبه‌رو بوده و هستند.

بنا به گفتهٔ یک پژوهشگر صلح اسرائیلی به نام گاوریل سالمون<sup>۲</sup> برخوردهای غامض و توأم با لجاجت بخشی از روایت‌های جمعی بوده و ریشه در خاطرات طولانی و دردناک دارند و نقش محوری در یک زندگی اجتماعی را ایفا می‌نمایند. او می‌نویسد:

«روایات و نظام‌های اعتقادی زیربنایی آن، منعکس‌کنندهٔ ذهنیت‌های متقابل هستند، آن‌ها همچنین اهداف، افعال، تاریخ، انسانیت و رنج‌های یک‌دیگر را غیرمشروع جلوه می‌دهند. همین غیرمشروع دانستن است که جنبهٔ اجتماعی - روانی برخورد را تشکیل می‌دهد.»

دبلیو. تی. اندرسون با اشاره به این نظام‌های اعتقادی در کتاب خود به نام «واقعیت آن چیزی نیست که قبلاً بود» چنین می‌نویسد:

«ما هنوز از آن دسته از نظام‌های اعتقادی برخوردار هستیم که دنیای نوین را شکل داده‌اند و در عین حال بقایای بسیاری از نظام‌های اعتقادی جوامع قبل از دنیای نوین را نیز با خود داریم. دنیای نوین جوامع را به گروه‌هایی تقسیم کرده است که در قالب نوعی برخورد عجیب و ناآشنا با یک‌دیگر مبارزه می‌کنند، که این مبارزه صرفاً بین اعتقادات مختلف نیست بلکه برخوردی در

رسمی کنسرت دیده نمی‌شود.

همچنین در گردهم‌آیی انجمن تحقیقات صلح آسیا و اقیانوسیه (APPRO) که در تابستان امسال در ریب در کامبوج برگزار شد، برنامه‌های مختلف موسیقی و حرکات موزون توسط شرکت‌کنندگان در کنفرانس و همچنین گروهی از کودکان ژاپنی و یک گروه نمایش از کامبوج به‌عنوان یک برنامه تکمیلی برای کنفرانس با هدف ارتقاء صلح به اجرا درآمد. همچنین نمایش زنده ساختن نقاب‌های صلح توسط یکی از شرکت‌کنندگان به نام میونگ هی‌کیم جهت ارتقای صلح و هماهنگی در چند نقطه شامل ژاپن، کره و کامبوج به اجرا درآمد. یکی دیگر از شرکت‌کنندگان به نام آناتولی لونسوف از ازبکستان از طریق موزه‌های صلح از جمله پیشگامان ارتقای صلح در طول هفده سال گذشته بوده است. تلاش‌های او توسط تعدادی از کشورها و سازمان‌ها مورد تقدیر قرار گرفته و موزه صلح در سمرقند جایزه یونسکو را برای ارتقای صلح در کشورها و جوامع مختلف دریافت کرده است.

موارد فوق برخی از روش‌ها و وسایل ارتقاء صلح و حل و فصل مناقشه‌ها از طریق فرهنگ و هنر است. افراد می‌توانند براساس موقعیت خاص خود روش‌های دیگری را مدنظر قرار دهند.

#### پی‌نوشت:

۱. راوی بهاتیا کارش را به‌عنوان دانش‌جوی فیزیک و ریاضیات آغاز کرد و در هندوستان و آمریکا در دانشگاه‌ها و کالج‌ها تدریس می‌کرد. وی اکنون در دانشگاه دهلی در هندوستان مشغول به کار می‌باشد.

2. Gavriel Salomon, "Peace Education in Regions of Tension and Conflict: A Conceptual Framework and Some Dilemmas", Gandhi Marg, New Delhi, January - March, 2003.

3. Maria Ericson, "Reconciliation and the Search for Moral Landscape: Insights and Challenges From Northern Ireland and South Africa", Journal of Theology for South Africa, No, 115, March 2003.

4. Morris Berman, "The Twilight of American Culture" W.W. Norton and Company, New York 2000.



## قدرت‌های استعماری نه تنها سرزمین‌های بسیاری کشورها یا مناطق را ضمیمه خاک خود کردند، بلکه قوانین خود و فرهنگ، زبان و مذهب خود را به مردم آن تحمیل نمودند

از آن‌جا که نظام‌های اعتقادی و روایات جمعی نیز مبتنی بر فرهنگ، هنر و نحوه زندگی مردم عادی می‌باشد، پژوهشگر صلح نیز باید این خصوصیات را در نظر گرفته و در عین حال سعی کند دوستی و روابط یک‌پارچه و هماهنگی را ایجاد نماید. مؤلفه‌های مهم فرهنگ و هنر شامل موسیقی، حرکات موزون، تئاتر، نقاشی و برگزاری نمایشگاه‌ها و غیره می‌باشد. این مؤلفه‌ها را می‌توان به نحو محترمانه و هوشیارانه جهت ارتقای صلح و دوستی مورد استفاده قرار داد. این مؤلفه‌ها عموماً به دور از جنجال هستند، اگرچه مواقعی وجود دارد که این مؤلفه‌ها با جوامع یا ادیان خاصی آمیخته شده‌اند. اخیراً در هند از یک نوازنده معروف کمانچه به نام بسم‌الله خان که بالاترین جایزه غیرنظامی را به نام بهارات راتنا دریافت کرده است، خواسته شد در مجلس هند برنامه اجرا کند. او علی‌رغم داشتن سن بالا با همان اشتیاق معمول خود برنامه را اجرا کرد و نمایندگان مجلس را که از احزاب مختلف سیاسی بودند با موسیقی فراموش‌نشده خود به وجد آورد. برای یک بار هم که شده مجلس هند صحنه توجه کامل کلیه نمایندگان بود، بدون این‌که حتی یک نوای ناراحت‌کننده و توهین‌آمیز شنیده شود. پس از اجرای این برنامه نمایندگان مبالغی را به او اهدا کردند تا بتواند مشکلات مالی خود را حل کند.

موريس برمن<sup>۲</sup> مطلبی راجع به اولگابلوم (Olga Bloom) نوشته که یک نوازنده بازنشسته ویلن در کنسرت است که خانه خود را در سال ۱۹۷۴ گرو گذاشت و یک قایق بزرگ کهنه خریداری کرده و آن را در بروکلین ایالات متحده آمریکا تبدیل به یک سالن کنسرت شناور نمود. او یک سالن کنسرت عالی با خصوصیات صدایی کامل ایجاد نمود که در آن نوازندگان هفته‌ای دوبار برای علاقه‌مندان موسیقی برنامه اجرا می‌کردند. این کار نه تنها مورد توجه موسیقی‌دانان و علاقه‌مندان موسیقی قرار گرفت، بلکه حتی مردم عادی که جذب فضای این سالن شده بودند، در برنامه‌های آن شرکت می‌کردند که این امر باعث ارتقاء دوستی‌ها و الفت‌ها گردید که در سالن‌های